



مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG 2010)

توسعه منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل بازار کار

محمد اجزاء شکوهی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه جغرافیا

مجتبی صادقی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

روح ... اسدی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

shokouhim@um.ac.ir

چکیده

استان سیستان و بلوچستان همواره جزو استانهای توسعه‌نیافته در ایران بوده است. بررسی بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان از اولین سرشماری (۱۳۳۵) تا آخرین سرشماری (۱۳۸۵) نشان از عقب‌ماندگی‌های ویژه‌ای دارد، که ضرورت پرداختن به مباحث توسعه، خصوصا توسعه منطقه‌ای را دوچندان می‌کند. در این نوشتار، توسعه منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. تحلیل وضعیت بازار کار استان، و نرخ رشد بخشهای اقتصادی آن، دو عامل مهمی است که در شناخت توسعه منطقه‌ای سیستان و بلوچستان، بکار گرفته شده است. تحلیل وضعیت بازار کار و همچنین وضعیت نرخ رشد بخشهای اقتصادی، وضعیت توسعه‌ی استان سیستان و بلوچستان را بر ما آشکار خواهد کرد. بازار کار استان سیستان و بلوچستان، یافته‌هایی را بر ما آشکار خواهد کرد که عبارتند از: روندشناسی تغییرات اشتغال، تحلیل کمبود شغل، وضعیت مهاجرپذیری و یا مهاجرفرستی استان، آشکار شدن رابطه‌ی علی بین مهاجرت و کمبود شغل.

در تحلیل وضعیت نرخ رشد بخشهای اقتصادی نیز، افت و خیز نرخ رشد بخشهای اقتصادی آشکار خواهد شد بگونه‌ای که روند تغییرات نرخ رشد بخشهای اقتصادی، به تفکیک بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این نوشتار، از تحلیل وضعیت بازار کار، و نیز وضعیت رشد بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان طی پنج دهه ی سرشماری (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵)، به تحلیل توسعه‌ی منطقه‌ای استان خواهیم رسید. در پایان نیز به منظور درک کمبودها و درک تفاوت‌های منطقه‌ای، وضعیت بازار کار استان سیستان و بلوچستان با بازار کار تهران بعنوان قطب توسعه و منابع کشور مقایسه شده است. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که:

مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان سیستان و بلوچستان به ترتیب تابع مازاد شغل و کمبود شغل در بازار کار این منطقه بوده است. همچنین در استان سیستان و بلوچستان، تغییرات عرضه نیروی کار (DL) بیش از آنکه وابسته به تغییرات نرخ مشارکت (DA) باشد، وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) بوده است. نکته دیگر اینکه در دهه‌های اخیر (دهه‌های سوم، چهارم و پنجم)، افزایش نرخ طبیعی نیروی کار که به نرخ رشد جمعیت برمی‌گردد، عامل مهمی در ایجاد کمبود شغل در استان سیستان و بلوچستان بوده است. بازار کار استان در دو دهه ی ۱۳۴۵-۱۳۳۵ و ۱۳۸۵-۱۳۷۵، به دلیل کمبود شغل، وضعیت نامناسبی را سپری کرده است. کمبود شغل در دهه نخست به دلیل تغییرات کم فرصت‌های شغلی

است. در حالیکه کمبود شغل در دهه اخیر به دلیل رشد قابل ملاحظه جمعیت در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ و بالنتیجه افزایش طبیعی عرضه نیروی کار (DN) در دو دهه بعد، یعنی دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ می باشد. از طرف دیگر، طی پنج دهه ی سرشماری، وضعیت بخش خدمات بهتر از بخش صنعت بوده است و بخش صنعت، وضعیت مناسبتری نسبت به بخش کشاورزی داشته، بگونه‌ای که بخش کشاورزی نسبت به دو بخش صنعت و خدمات، وضعیت بدتری را گذرانده است.

مطالعه مقایسه‌ای بازار کار استانهای سیستان و بلوچستان و تهران نشان می دهد که در سه دهه اخیر، مقدار تغییرات اشتغال (تقاضای نیروی کار) در استان سیستان و بلوچستان، و همچنین در استان تهران، مثبت بوده و روندی افزایشی را دارا بوده است. همچنین سرعت افزایش تقاضای نیروی کار در استان تهران نسبت به استان سیستان و بلوچستان بیشتر بوده است.

در سه دهه‌ی اخیر (۸۵-۱۳۵۵) همسنجی روند تغییرات مهاجرت استان تهران و سیستان و بلوچستان نشان می دهد که استان تهران با یک شیب نسبتا زیاد، به سوی انباشت جمعیت، و استان سیستان و بلوچستان با شیب نسبتا ملایم تری، به سوی گریز جمعیت پیش می‌رود.

واژگان کلیدی: توسعه منطقه‌ای، مدل بازار کار، مهاجرت، کمبود شغل

The regional development in Sistan & Balouchestan province, with using the labour market model

Mohammad, Ajza Shokouhi, Ph.D
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad.

Mojteba, Sadeghi, M.A
Rohelah, Asadi, M.A.

Abstract

The Sistan & Balouchestan Province is an under developed region in the Iran. The study of economic condition in region, show that there are some sign of under development during the last five decades. It can show the importance of regional studies in the development of different regions in Iran.

In this paper, we have tried to study, the economic development in Sistan & Balouchestan. We have used the labour market accounts and growth rate of economic sections to identify the regional development in Sistan & Balouchestan.

The results of labour market accounts in this province show the relationship between different variables, such as employment change, job-shortfall, in-migration and out-migration. In this research, we study labour market variables, growth rate of different economic sections and finally, regional development of Sistan & Balouchestan during last five decades.

Finally, we have a comparative study between labour markets of Sistan & Balouchestan and Tehran as the growth pole of Iran.

The results of labour market accounts show that the in- migration and out-migration depended to the job- surplus and job-shortfall in the region. Furthermore these results indicate that change in DN had an important role in job-shortfall and as a result in out-migration in Sistan & Balouchestan region. The population of this region increased considerably during the 1355s.

On the other hand the results of this research indicate that services industry had the better condition and agriculture had the worst one.

Key words: Regional development, labour market model, Migration, Job-shortfall, E

مقدمه

از دیرباز یکی از دغدغه‌های مهم انسانها در زندگی این بوده است که بتوانند هر چه بیشتر، محیط و منطقه‌ی زندگی خود را کیفیت ببخشند. امروزه نیز توسعه یافتن و توسعه دادن مناطق در سطح کشورها، یکی از دغدغه‌های مهم دولت‌ها و مردم کشورها می باشد بطوری که امروزه کمتر کسی است که سخن از توسعه یافتگی و یا عقب ماندگی مناطق را نشنیده باشد. تنها سخن از توسعه‌ی منطقه کافی نیست و دردی را درمان نخواهد کرد بلکه باید نخست دانست که وضعیت منطقه‌ی مورد نظر چگونه است، چگونه بوده است. چه رابطه‌ای بین متغیرهای دخیل بر توسعه‌ی منطقه‌ای وجود دارد و چگونه می توان به توسعه منطقه کمک کرد و غیره. استان سیستان و بلوچستان نیز از این قاعده مستثنا نیست، تحلیل وضعیت بازار کار و نرخ رشد بخشهای اقتصادی این استان، ما را در تحلیل توسعه‌ی منطقه‌ای این استان، یاری خواهد کرد. در این نوشتار، تلاش بر این است تا با تحلیل وضعیت بازار کار و وضعیت نرخ رشد بخشهای اقتصادی استان، فرصتها و موانع توسعه منطقه شناسایی و بکاهش مشکلات استان کمک نمائیم. در راستای این پژوهش، به پاسخ این پرسشها دست خواهیم یافت: بازار کار استان سیستان و بلوچستان چه روندی را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ طی کرده است؟ چه رابطه‌ای بین فرایند مهاجرفرستی و مهاجر پذیری استان با وضعیت عرضه و تقاضای بازار کار در استان، وجود دارد؟ روند رشد بخشهای اقتصادی، طی پنج دهه‌ی سرشماری، در سطح استان چگونه بوده است؟ هر کدام بخشهای اقتصادی چه تاثیری در ایجاد اشتغال و در نتیجه در تغییرات تقاضا در بازار کار داشته اند. تغییرات اشتغال و مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان و استان تهران بعنوان قطب اقتصادی کشور چه تفاوت‌هایی داشته است؟

مبانی نظری:

توسعه و رونق یافتن مناطق یکی از مسائل مهم در ادبیات توسعه‌ی منطقه‌ای است که تعاریف و مفاهیم گوناگونی دارد و تئوریهای گوناگونی درباره‌ی چگونگی توسعه‌ی یک منطقه بیان شده است. دو برداشت متفاوت از توسعه عبارت است از، توسعه پدیده‌ای صرفا اقتصادی که مربوط به ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ می باشد و رشد اقتصادی را عامل اصلی توسعه می داند و برداشت دوم که مربوط به دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد است و رشد اقتصادی را وسیله دست یابی به توسعه می داند نه هدف توسعه، و بر کاهش بیکاری نیز توجه دارد (لنگرودی، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۵). در تعاریف توسعه بر افزایش تواناییهای انسانی- اجتماعی برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی - انسانی، برآورده شدن نیازهای کنونی بدون کاهش تواناییهای نسل آینده تاکید می شود، بگونه‌ای که توسعه منطقه‌ای همین مفاهیم توسعه، در محدوده‌ی فضایی منطقه می‌باشد (صرافی، ۱۳۷۷).

دو دسته نظریه‌های توسعه منطقه‌ای می توان در نظر گرفت، دسته اول نظریاتی که بر پایه‌ی تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادیاجتماعی، بر برنامه ریزی بخشی تاکید دارند مانند نظریه‌های رشد بخشهای اقتصادی و پایه اقتصادی به طوری که در این نظریات، انباشت سرمایه، منابع جدید، رشد نیروی کار و پیشرفت فن آوری از عوامل اصلی رشد اقتصادی منطقه به شمار می‌آیند و نیز دسته دوم نظریاتی که بر پایه‌ی تقدم قلمرو فضایی انسانها و فعالیتها و یکپارچگی آنها در محیط، به برنامه ریزی فضایی متکی هستند مانند نظریه اگروپلین و قطب رشد. (صرافی، ۱۹۹۹) در همین راستا سه نظریه بازرگانی بین المللی، نظریه بخش و نظریه‌ی کالای اساسی از سطح ملی به سطح منطقه‌ای تعمیم داده شده اند (زیاری، ۱۳۸۳). نظریه بازرگانی بین المللی (international

(trade theory): این نظریه به مزیت نسبی منطقه توجه دارد و بر تخصصی شدن منطقه به جای متنوع شدن آن تاکید می کند تا از طریق صادرات، درآمد بیشتری که منشاء انباشت سرمایه و چرخه ی رشد می شود را بدست آورد. (صرافی، ۱۹۹۹). نظریه بخش (sector theory): افزایش درآمد سرانه ی منطقه معمولا با تخصیص مجدد منابع همراه است به طوری که در فعالیتهای اولیه (کشاورزی و معدن) نیروی انسانی شاغل کاهش می یابد و در فعالیت بخش دوم (صنعت) و سپس بخش سوم (خدمات) نیروی انسانی شاغل افزایش می یابد. (زیاری، ۲۰۰۴).

بیشتر نگرشهای تئوریک عمومی که با مهاجرت، نیروی کار و یا برهم کنش بین این دو سرو کار دارند، بر جنبه های ساختاری، رفتاری و نئوکلاسیک تاکید می کنند (fan, ۲۰۰۲). در نگرش نئوکلاسیک، مهاجرت پیامد تفاوت های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار است و نگرش ساختاری بر چگونه تقسیم شدن بازار کار به دو بخش رسمی و غیر رسمی تاکید دارد، در حالی که نگرش رفتاری همانند نگرش نئوکلاسیک ویژگی های مهاجران و کارگران را مورد آزمون و بررسی قرار می دهد و بر فاکتورهای روانشناختی، و مفهومی (contextua) تاکید می کند. (fan, 2002)

بررسی بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان از اولین سرشماری (۱۳۳۵) تا آخرین سرشماری (۱۳۸۵) نشان از عقب ماندگی های ویژه ای دارد، که ضرورت پرداختن به مباحث توسعه، خصوصا توسعه منطقه ای را دوچندان می کند. اگر استان سیستان و بلوچستان را سیستمی فرض کنیم که پیوسته در حال تعامل با محیط اطرافش است و تحت تأثیر روندهای حاکم بر محیط کلان کشوری قرار دارد، و از طرفی به نقش اشتغال در رونق مناطق شهری و روستایی توجه داشته باشیم، زیر بنای مباحث توسعه ای این منطقه، شناخت ساختار و کارکرد بازار کار در این مناطق است.

مدل بازار کار:

فن محاسبات بازار کار یک ابزار کمی است که با آن می توانیم شیوه برخورد عرضه و تقاضای نیروی کار طی یک دوره ی زمانی خاص را نشان دهیم (اجزاء شکوهی، ۱۳۸۵). عنصر اساسی در محاسبات بازار کار، کمبود شغل است که به دلیل عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار رخ می دهد. (اجزاء شکوهی، ۱۳۸۵). با استفاده از این روش ما می توانیم اثرات تغییر در اشتغال بر روی مهاجرت، بیکاری و رفت و آمد نشان دهیم. (Rhodes and tyler, 1989)

روش تغییر سهم:

تحلیل تغییر سهم نخست بوسیله ی dunn (۱۹۶۰) به عنوان روشی برای تعیین بخشهایی که تغییرات متغیرهای اقتصادی، به ویژه اشتغال را تشریح می کنند، توسعه یافت. (Matias López et al, 2007) یک مزیت اصلی تکنیک تغییر سهم، سادگی آن است و همچنین این واقعیت که فن تغییر سهم به مجموعه ای از داده های اولیه نیازی ندارد. (Mhmoud Yasin et al, 2005)

تحلیل وضعیت بازار کار در استان سیستان و بلوچستان:

اگر به یک منطقه، به عنوان یک سیستم نظر افکنیم، برای تغییر، هدایت، و برنامه ریزی آن منطقه، نیازمند شناسایی نحوه رفتار آن منطقه هستیم. منظور از رفتار منطقه یعنی دریابیم که منطقه ی مورد نظر، از لحاظ

توسعه در طی زمان چه روندی را طی کرده است. شناسایی روندها و مکانیسم تغییر و تحول یک منطقه، نیازمند توجه به عامل "زمان" می‌باشد. در اینجا به تحلیل وضعیت بازار کار استان سیستان و بلوچستان در طی پنج دهه‌ی سرشماری از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است. با استفاده از محاسبات بازار کار، یافته‌های زیر بدست آمد (جدول ۱).

جدول ۱: محاسبات بازار کار در استان سیستان و بلوچستان ۱۳۳۵-۱۳۸۵

دهه		DL	DN	DA	DE	DS	YXM	DU
۳۵-۴۵	اول	24122	24579	-7336	-13193	139027	133695	6118
۴۵-۵۵	دوم	30296	32859	-2554	45533	-15233	-16585	1366
۵۵-۶۵	سوم	35867	56739	-20896	49321	-51198	-44139	30687
۶۵-۷۵	چهارم	31369	57309	-27625	91533	-61007	-49752	-15071
۷۵-۸۵	پنجم	352187	289464	62836	117996	234191	79175	155016

منبع: نویسندگان

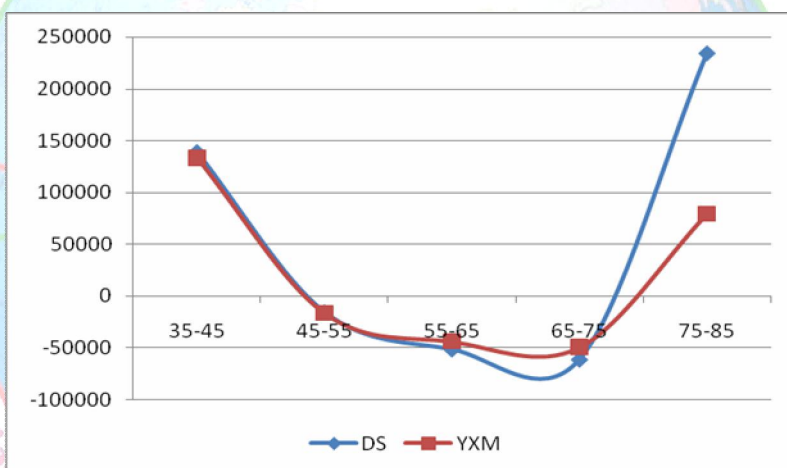
ستانده‌های مدل بازار کار نشان می‌دهد که استان در دهه اول و پنجم با کمبود شغل و در سه دهه‌ی دوم، سوم و چهارم از مزاد شغل برخوردار بوده است. از نظر کمبود شغل بدترین دهه، دهه ی پنجم با کمبود شغل ۲۳۴۰۰۰ می‌باشد ولی از نظر تلاش برای از بین بردن کمبود شغل، دهه ی اول بدترین دهه بوده است زیرا تنها دهه ای است که DE آن منفی است یعنی علاوه بر این که به تعداد شاغلین افزوده نشده، از تعداد آنها نیز کاسته شده است در صورتی که گرچه دهه ی پنجم هم با کمبود شغل مواجه بوده است ولی به هر حال حدود ۱۱۸۰۰۰ به تعداد شاغلین افزوده شده است. از حدود ۱۳۹۰۰۰ کمبود شغل دهه‌ی اول، حدود ۱۳۰۰۰ کمبود شغل آن را باید در کاهش تقاضای نیروی کار (DE) و مابقی را در افزایش نیروی کار DL جستجو کرد. ۱۳۹۰۰۰ کمبود شغل در دهه‌ی اول، باعث مهاجرت تقریباً ۱۳۳۰۰۰ نفری به خارج از استان شده، بطوری که در دهه پنجم به دلیل کمبود شغل برابر با ۲۳۴۰۰۰، این تعداد به ۷۹۰۰۰ رسیده است. استان، در سه دهه دوم، سوم و چهارم به ترتیب از مزاد شغل حدود ۱۵۰۰۰، ۵۱۰۰۰ و ۶۱۰۰۰ برخوردار بوده که بهترین وضعیت از نظر DS در دهه ی چهارم رخ داده است. مزاد شغل در دهه‌های دوم، سوم و چهارم باعث مهاجرپذیری استان شده به طوری که بیشترین مهاجرپذیری در دهه ی چهارم حدود ۵۰۰۰۰ نفر رخ داده است. محاسبات بازار کار نشان می‌دهد که در چهار دهه‌ی اول، DA منفی است به گونه ای که نه تنها DA، باعث افزایش DL نشده بلکه کاهش DL را به دنبال داشته است. بنابراین تغییرات نیروی کار DL، بیشتر با تغییرات طبیعی نیروی کار DN هماهنگی داشته، نه با تغییرات نرخ مشارکت DA. DN هم وابسته به نرخ رشد جمعیت استان است بنابراین در دهه ی پنجم، افزایش چشمگیر DL را باید در افزایش DN این دهه جستجو کرد، که علت اصلی افزایش DN، نرخ رشد بسیار بالای جمعیت (۶/۷ درصد) در دهه ی سوم است. متولدین دهه ی سوم با گذشت دو دهه، به سن فعالیت رسیده و وارد بازار کار شده اند به گونه ای که عرضه نیروی کار DL را بالا برده و به دلیل عدم همترازی افزایش DE با DL، کمبود شغلی برابر ۲۳۴۰۰۰ را به وجود آورده اند که مهاجرت ۷۹۰۰۰ نفر به بیرون از منطقه را در پی داشته است. نکته ی جالب این است که در چهار دهه ی اول، چه دهه ی اول که کمبود شغل وجود داشته و چه دهه‌های دوم، سوم و چهارم، که مزاد شغل وجود داشته است، DA همچنان منفی بوده است و جالبتر آنکه در دهه ی پنجم که بیشترین کمبود شغل را داراست، DA مثبت شده و به حدود ۶۳ هزار رسیده است. علت ناهمخوانی DA و DS در دهه ی پنجم، وخیمتر شدن وضعیت بازار کار نسبت به گذشته است که علت آن بیان شد. از آنجایی که شغل یکی از اساسی‌ترین نیازهای مادی و معنوی انسان برای زندگی کردن است، لذا در دهه ی پنجم با وجود کمبود شغل، جویندگان کار باز هم در بدست آوردن شغل

مشارکت می‌ورزند. با وجود نامناسب بودن وضعیت کار، تنها انگیزه جویندگان کار از مشارکت در بازار کار، داشتن شغل است نه انتخاب شغل. زیرا هر چه وضعیت بازار کار بدتر شود، جویندگان کار مجبور می‌شوند برای شاغل شدن، سطح توقعات خود را کاهش دهند و این گونه است که با افزایش کمبود شغل، DA نیز افزایش می‌یابد. بعلاوه تحولات فرهنگی سبب شده است که جمعیت زنان که از درصد باسوادی بالاتری برخوردار هستند وارد بازار کار شده و در نتیجه نرخ مشارکت نیروی کار DA را افزایش داده‌اند. رابطه‌ی بین مازاد شغل و مهاجرپذیری استان را به روشنی آشکار است. در هر دهه‌ای که کمبود شغل اتفاق افتاده است، به دنبال آن مهاجرفرستی و در هر دهه‌ای که مازاد شغل وجود داشته، به دنبال آن مهاجرپذیری رخ داده است. این نشان می‌دهد که جمعیت‌پذیری و جمعیت‌گریزی استان رابطه‌ی مستقیمی با وضعیت اشتغال منطقه دارد. اگر ما می‌خواهیم جلوی تخلیه‌ی جمعیت استان را بگیریم، بهترین اقدام آن است که در منطقه شغل ایجاد کنیم.

رابطه‌ی متغیرهای بازار کار در استان سیستان و بلوچستان:

۱- رابطه‌ی کمبود شغل (DS) و مهاجرت به بیرون (YXM): نمودار ۱، نشان می‌دهد که یک همبستگی و هماهنگی بین تغییرات کمبود شغل و مهاجرت به بیرون، وجود دارد.

نمودار ۱: روندشناسی رابطه‌ی کمبود شغل و مهاجرت به بیرون



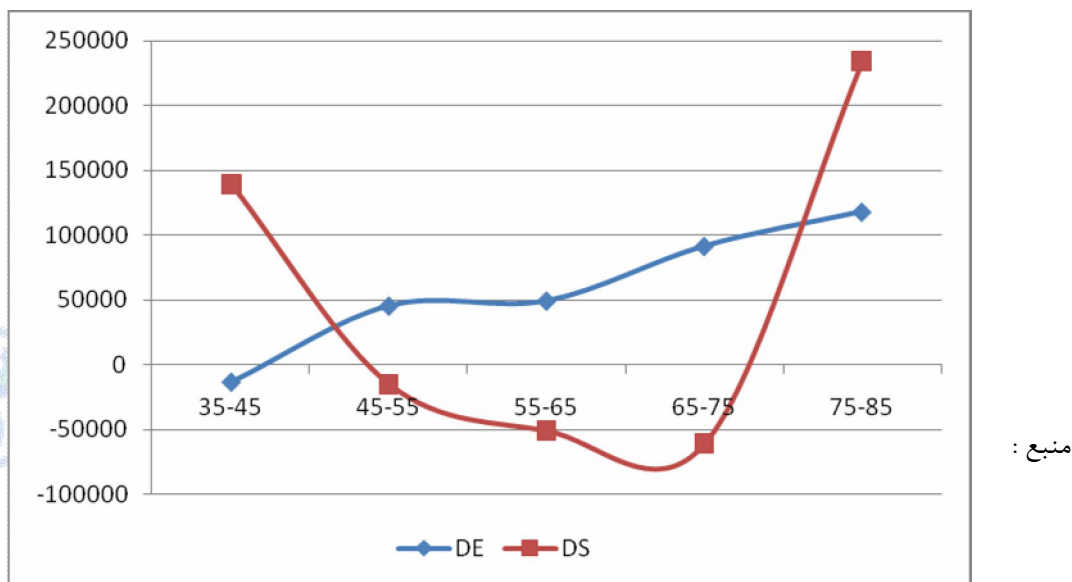
منبع: نویسندگان

روند تغییرات کمبود شغل از دهه‌ی اول تا سوم، روندی کاهشی داشته است یعنی با گذشت زمان، از دهه‌ی اول تا دهه‌ی سوم، از کمبود شغل منطقه کاسته شده بطوری که در دهه‌ی دوم و سوم مقدار منفی کمبود شغل (DS) نشانگر مازاد شغل در این دو دهه است. روند تغییرات مهاجرت به بیرون نیز دقیقاً تابعی است از روند تغییرات کمبود شغل، بطوری که از دهه‌ی اول به سوم، از مهاجرت به بیرون استان، کاسته شده و در دهه‌ی دوم و سوم نیز استان سیستان و بلوچستان مهاجر پذیر شده است. از دهه‌ی سوم تا دهه‌ی پنجم، هم کمبود شغل (DS) و هم مهاجرت به بیرون (YXM)، تقریباً روندی افزایش پیدا کرده‌اند بطوری که در دهه‌ی سوم و چهارم، استان سیستان به دلیل مازاد شغلی که داشته، مهاجرپذیر شده بوده است. از دهه‌ی چهارم به بعد، روند کمبود شغل در استان سیستان و بلوچستان یک روند شدید و افزایشی بوده که به تبع آن نیز منطقه دچار پدیده‌ی مهاجرفرستی گردیده است. نتیجه آنکه، مهاجرپذیری استان سیستان وابسته بوده است به کمبود شغل و هرگاه مازاد شغلی بوجود آمده، منطقه با مهاجرپذیری روبه‌رو شده است.

۲- رابطه‌ی کمبود شغل (DS) و تغییرات اشتغال (DE):

همسنگی روند تغییرات کمبود شغل و روند تغییرات اشتغال نشان می‌دهد (نمودار ۲) که روند تغییرات اشتغال با روند کمبود شغل، در دهه اخیر همخوانی ندارد.

نمودار ۲: روندشناسی رابطه‌ی کمبود شغل و تغییرات اشتغال در بازار کار استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۵-۱۳۳۵



منبع :

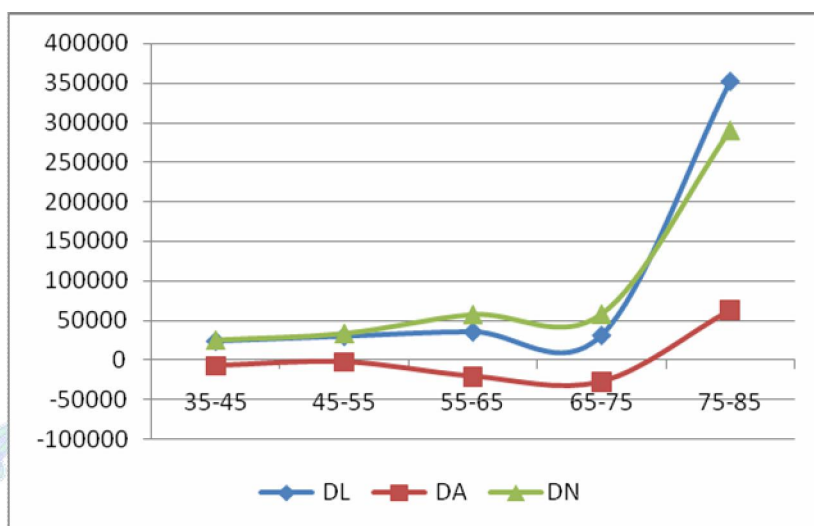
نویسندگان

نمودار ۲، گویای این است که تغییرات اشتغال یا همان تقاضای نیروی کار (DE)، طی پنج دهه‌ی سرشماری، یک روند افزایشی داشته است. روند کمبود شغل (DS) روندی بوده که دچار تغییرات شدیدی گشته، بطوری در حدود سه دهه اول همخوانی نداشته و لیکن در دهه اخیر (۱۳۷۵-۱۳۸۵) هیچ همخوانی با روند تقاضای نیروی کار ندارد. در دو دهه‌ی اول به دلیل منفی بودن نرخ رشد اشتغال، تغییرات منفی تقاضای نیروی کار، نتوانسته است جوابگوی افزایش نیروی کار در منطقه باشد و در نتیجه کمبود شغل در منطقه پدیدار گشته است. در حالیکه در دهه اخیر علیرغم افزایش فرصتهای شغلی، به دلیل افزایش عرضه نیروی کار، منطقه با کمبود شغل مواجه بوده است.

۳- رابطه‌ی تغییرات نیروی کار (DL) با تغییرات نرخ مشارکت (DA) و تغییرات طبیعی نیروی کار (DN):

با بررسی رابطه‌ی بین تغییرات نیروی کار، تغییرات نرخ مشارکت و تغییرات طبیعی نیروی کار، مشخص می‌شود که تغییرات نیروی کار بیشتر تحت تاثیر کدام عامل است؟ عامل تغییرات نرخ مشارکت یا عامل تغییرات طبیعی نیروی کار؟ نمودار ۳، نشان می‌دهد که تغییرات نیروی کار (DL) بیشتر وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) می‌باشد. (DA) با (DL)، رابطه‌ی چندانی ندارد. نتیجه آنکه تغییرات نیروی کار (DL) بیش از آنکه وابسته به تغییرات نرخ مشارکت (DA) باشد، وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) می‌باشد.

نمودار ۳: رابطه‌ی (DL) با (DA) و (DN)

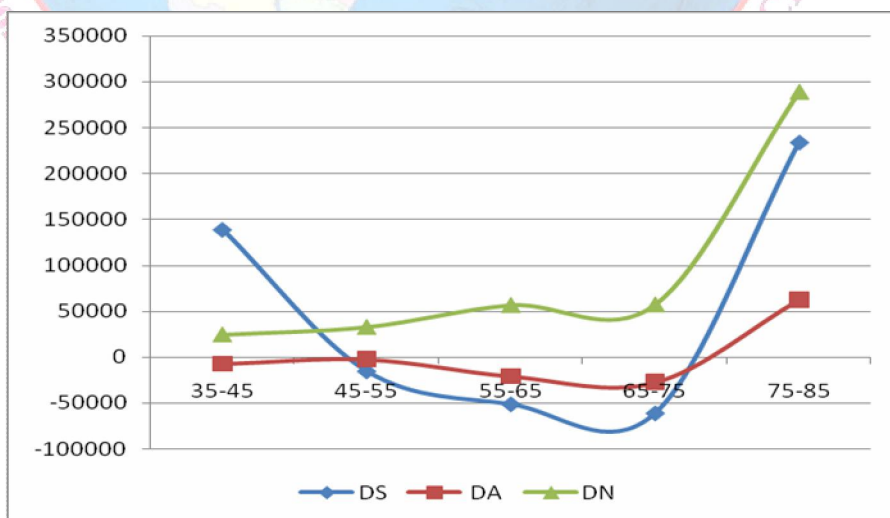


منبع : نویسندگان

۴- رابطه کمبود شغل (DS) با تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) و تغییرات نرخ مشارکت (DA):

رابطه‌ی بین کمبود شغل با تغییرات طبیعی نیروی کار و تغییرات نرخ مشارکت، برای ما آشکار خواهد کرد که کمبود شغل در استان، بیشتر به دلیل افزایش طبیعی نیروی کار بوده یا به دلیل افزایش نرخ مشارکت جوانان کار. نمودار ۴ نشان می‌دهد که از دهه‌ی اول تا دهه‌ی سوم، بین تغییرات طبیعی نیروی کار و کمبود شغل، همبستگی وجود ندارد ولی از دهه‌ی سوم تا پنجم، روند تغییرات کمبود شغل (DS) دقیقاً مطابق روند تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) شده است. نتیجه آنکه، در دهه‌های اخیر (دهه‌های سوم، چهارم و پنجم)، افزایش نرخ طبیعی نیروی کار که به نرخ رشد جمعیت برمی‌گردد، عامل مهمی در ایجاد کمبود شغل در استان سیستان و بلوچستان بوده است.

نمودار ۴: رابطه کمبود شغل (DS) با تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) و تغییرات نرخ مشارکت (DA)



منبع : نویسندگان

تحلیل وضعیت بخشهای اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان:

رشد و افت بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان ، عامل مهم دیگری است که در توسعه منطقه ای استان تاثیرگذار است. بنابراین در این قسمت با استفاده از مدل تغییرسهم ، به تحلیل آن می پردازیم. یکی از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه منطقه ای، تغییرات بخشهای اقتصادی است. فرآیند افت و خیز بخشهای اقتصادی، می تواند نمای روشنی از وضعیت اقتصادی منطقه بدست دهد . نمودار ۵ نشان می دهد که در دهه ی اول ، به جز بخش صنعت که رشد ۰,۸ داشته است ، دو بخش کشاورزی و خدمات علاوه بر اینکه رشدی نداشته اند، به ترتیب دچار رشد منفی بوده اند. استان سیستان و بلوچستان در دهه ی اول ، دارای رشد در بخش صنعت بوده است ، و در همین دهه اول است که بخش کشاورزی و خدمات، بدترین وضعیت را در طی پنج دهه ی مورد مطالعه داشته اند. دهه ی اول ، دهه ای است که بدترین وضعیت بخش کشاورزی و بخش خدمات را در طی پنج دهه به خود اختصاص داده است. در دهه ی دوم ، هر سه بخش اقتصادی دارای رشد بوده اند بطوری که در طی پنج دهه ، در این دهه است که بخش صنعت به بیشترین رشد خود رسیده است و این رشد در هیچ یک از دهه های دیگر تکرار نشده است. دهه ی سوم ، دهه ای است که بعد از گذشت دو دهه ، بخش صنعت افت شدیدی را تجربه کرده ، و بخش کشاورزی دچار رشد منفی شده است. در دهه ی سوم است که بخش خدمات بر دو بخش دیگر پیشی گرفته است و این وضعیت تا دهه ی پنجم به چشم می خورد. از دهه ی سوم تا چهارم ، روند تغییرات به گونه ای است که همه ی بخشها، نسبت به دهه ی سوم ، رشد داشته اند و روند فزاینده ای به خود گرفته اند. در دهه ی سوم ، به جز بخش کشاورزی ، رشد دیگر بخشهای اقتصادی مثبت بوده است بطوری که رشد بخش خدمات ، از رشد بخش صنعت بیشتر بوده و رشد بخش صنعت ، از رشد بخش کشاورزی پیش گرفته است.

بیشترین ضریب رشد به ترتیب مربوط به بخش خدمات ، صنعت و کشاورزی بوده است. از دهه ی چهارم به بعد ، روند ضریب رشد محلی هر سه بخش اقتصادی، روندی کاهشی می باشد. بخشهای اقتصادی از دهه ی چهارم به دهه ی پنجم، یک روند کاهشی را تجربه کرده اند. در دهه ی پنجم، رشد بخش کشاورزی منفی بوده، بطوری که رشد بخش صنعت و خدمات، مثبت شده است. با نگاهی کلی به روند تغییرات رشد بخشهای اقتصادی، می توان گفت که کمترین نوسانات ضریب رشد محلی، در بخش کشاورزی رخ داده است. در طی پنج دهه ی مورد نظر، یک هماهنگی در افت و رشد بخش کشاورزی با افت و رشد بخش صنعت دیده می شود. اوج رشد بخش خدمات مربوط است به دهه ی چهارم ، و کمترین رشد آن ، مربوط است به دهه ی اول ، که دارای رشد منفی بوده است. بهترین وضعیت بخش کشاورزی، به دهه ی چهارم بر می گردد ، و بدترین وضعیت آن ، مربوط به دهه ی اول می باشد. دهه ی دوم و سوم ، به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت بخش صنعت را نشان می دهند. بخش کشاورزی، در دو دهه (دهه اول و سوم) ، و بخش خدمات، در یک دهه (دهه اول)، دارای رشد منفی بوده اند. در هیچ یک از دهه ها، بخش صنعت دارای رشد منفی نشده است و همیشه رشد مثبت داشته است. از دهه ی سوم به بعد، رشد بخش خدمات فراتر از بخش صنعت ، رشد بخش صنعت ، فراتر از بخش کشاورزی بوده است. بطور کلی ، بخش کشاورزی، چندان نقش شایسته ای را در منطقه از خود نشان نداده است زیرا یا رشد آن منفی بوده ، و یا اگر در دهه ای رشد مثبت داشته، مقدار آن بسیار کم بوده است. در همه ی دهه ها، رشد بخش کشاورزی پایین تر از رشد دو بخش صنعت و خدمات می باشد.

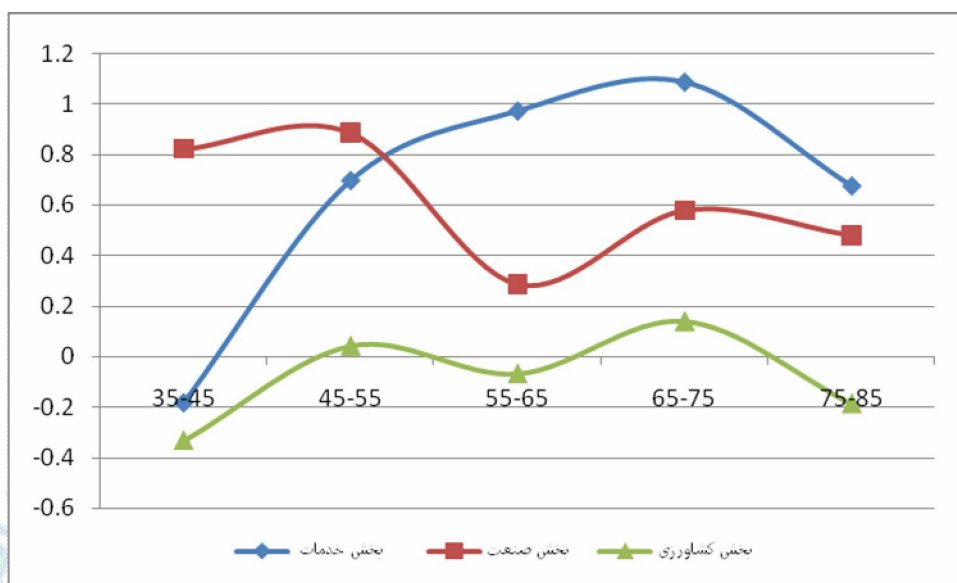
مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG 2010)

جدول ۲: بررسی وضعیت اقتصادی بخشهای مختلف اقتصادی استان سیستان و بلوچستان طی پنج دهه ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

دهه	ایران		A	استان سیستان بلوچستان		B	C	A+B+C	میانگین (A+B+C)
	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
۱۳۳۵-۱۳۴۵	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
کشاورزی صنعت خدمات	3325721	3027469	0.08	98876	77967	-0.29	- 0.12	- 0.42	۰,۱
	1187243	1809221		10699	17895	0.58	0.15	0.82	
	1218491	1565104		18027	18938	-0.03	- 0.23	- 0.18	
۱۳۴۵-۱۳۵۵	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
کشاورزی صنعت خدمات	3027469	2564598	0.23	77967	81275	-0.38	0.2	0.04	۰,۵
	1809221	2670992		17895	33739	0.25	0.41	0.89	
	1565104	2636890		18938	32127	0.46	0.01	0.70	
۱۳۵۵-۱۳۶۵	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
کشاورزی صنعت خدمات	2564598	2822467	0.27	81275	75766	-0.17	- 0.17	- 0.07	۰,۴
	2670992	2627385		33739	43374	-0.29	0.30	0.29	
	2636890	4558569		32127	63342	0.46	0.24	0.97	
۱۳۶۵-۱۳۷۵	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
کشاورزی صنعت خدمات	2822467	2815924	0.33	75766	86368	-0.33	0.14	0.14	۰,۶
	2627385	4264126		43374	68472	0.29	- 0.04	0.58	
	4558569	6270414		63342	13210 8	0.04	0.71	1.09	
۱۳۷۵-۱۳۸۵	ابتدا	انتهای		ابتدا	انتهای				
کشاورزی صنعت خدمات	2815924	3186948	0.43	86368	70248	-0.30	- 0.32	- 0.19	۰,۳
	4264126	6349158		68472	10129 6	0.06	- 0.01	0.48	
	6270414	9582436		132108	22127 5	0.1	0.15	0.67	
میانگین	کشاورزی		۰,۲۷			0۳-0.	- 0.05	- 0.08	
	صنعت					0.18	0.16	0.61	
	خدمات					0.20	0.18	0.65	

منبع: (نویسندگان، محاسبات مدل تغییر سهم)

نمودار ۵: افت و خیز نرخ رشد محلی سه بخش اقتصادی (A+B+C)



منبع :

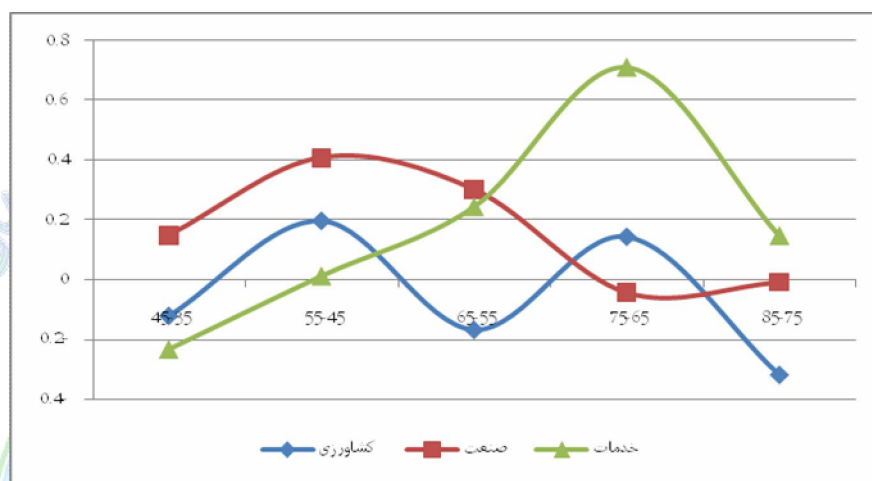
نویسندگان

مکانیسم تغییرات برندگی یا بازندگی بخشهای اقتصادی کل استان سیستان (C) :

اهمیت این شاخص از آن جهت است که وضعیت بخشهای اقتصادی را نسبت به وضعیت کل کشور آشکار می‌کند. مقدار C، به ما نشان می‌دهد که وضعیت بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان چگونه است و چه وضعیتی دارد. با بررسی مقدار C می‌توان به برنده یا بازنده بودن بخشهای اقتصادی پی برد. با توجه به نمودار شماره ۶ و یافته‌های جدول شماره ۲، می‌توان گفت که در دهه‌ی دوم و چهارم، مثبت بودن مقدار (C) بخش کشاورزی، نشان می‌دهد که در این دو دهه، سرعت رشد بخش کشاورزی در استان نسبت به رشد آن در کل کشور بیشتر بوده است. در دهه اول و پنجم این روند برعکس بوده است، بطوری که رشد بخش کشاورزی در سطح استان نسبت به بخش کشاورزی کل کشور، عقب افتاده است. در سه دهه‌ی نخست، سرعت رشد بخش صنعت در سطح استان بیشتر از سطح کشور بوده است. در دهه‌ی چهارم و پنجم مقدار (C) در بخش صنعت منفی است که نشانگر عقب افتادن رشد این بخش در سطح استان نسبت به سطح کشور می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد بخش خدمات استان به جزء دهه‌ی اول، در دیگر دهه‌ها از رشد همین بخش در سطح کشور پیشی گرفته به طوری که در دهه‌ی چهارم به بیشترین سرعت رشد خود رسیده است. دهه‌ی پنجم از نظر موقعیت رقابتی بخشهای اقتصادی استان دهه‌ی ناخوشایندی است زیرا تنها دهه‌ای است که از سه بخش اقتصادی، دو بخش آن (صنعت و کشاورزی) دچار عقب افتادگی شده‌اند. اگر چه در این دهه رشد بخش خدمات استان نسبت به سطح کشور پیشی گرفته ولی مقدار (C) آن نسبت به دهه‌ی چهارم ۰٫۶ افت کرده است. تنها در دهه‌ی دوم است که هر سه بخش اقتصادی استان نسبت به همان بخشها سطح کشور، پیش افتاده‌اند. طی پنج دهه دیده می‌شود که پیش افتادگی یا پس افتادگی بخش کشاورزی استان نسبت به بخش کشاورزی کل کشور، روندی موجی و متناوب داشته است به طوری که پس از یک دهه پس افتادگی، در دهه بعدی پیش می‌افتاده است و اگر همین روند ادامه داشته باشد، پیش بینی می‌شود که در دهه‌ی ۹۵-۸۵ این بخش نسبت به بخش کشاورزی کل کشور، پیشی گیرد. دامنه نوسانات مقدار C برای بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب

برابر ۰.۵ ، ۰.۴ و ۰.۸ می باشد که نشان می دهد سرعت رشد بخش صنعت نسبت به بخش کشاورزی و خدمات از پایداری بیشتری برخوردار بوده و دامنه‌ی تغییرات آن بوده است. بیشترین افت و خیز و بالا و پایین رفتن سرعت رشد ، مربوط به بخش خدمات است (نمودار ۶).

نمودار ۶: تغییرات پیش افتادگی و یا پس افتادگی رشد بخشهای اقتصادی در سطح استان نسبت به رشد بخشهای اقتصادی کشور



منبع: (نویسندگان ، محاسبات مدل تغییر سهم)

بنا به روش تغییر سهم ، برنده یا بازنده شدن بخشهای اقتصادی به مثبت یا منفی بودن مقدار C آنها برمی گردد (زیاری ، ۱۳۸۳ ، ۱۹۱) بنابراین بدون در نظر گرفتن مختلط یا نامختلط بودن بازندگی بخشهای اقتصادی ، باید گفت که بخش کشاورزی ، صنعت و خدمات از ۵ دهه به ترتیب ۳ دهه ، ۲ دهه و ۱ دهه بازنده‌ی اقتصادی بوده اند. این نشان از وضعیت نامناسب بخش کشاورزی و وضعیت مناسب بخش خدمات طی این پنج دهه است (جدول ۳).

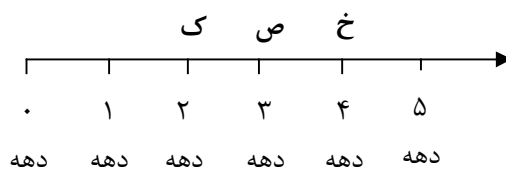
جدول ۳: فراوانی برندگی و یا بازندگی بخشهای اقتصادی استان سیستان و بلوچستان طی پنج دهه سرشماری (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

فراوانی دهه‌ها از نظر وضعیت بخشهای اقتصادی						
بخش اقتصادی	برنده	برنده مختلط	بازنده	بازنده مختلط	جمع (برنده و برنده مختلط)	جمع (بازنده و بازنده مختلط)
کشاورزی	۰	۲	۳	۰	۲	۳
صنعت	۲	۱	۰	۲	۳	۲
خدمات	۴	۰	۱	۰	۴	۱

منبع: (نویسندگان ، محاسبات مدل تغییر سهم)

بردارهای زیر ، روشنتر و آشکارتر ، برنده یا بازنده بودن سه بخش اقتصادی را نسبت به هم نشان می دهد. در شکل ۱ و ۲ ، حرف "ک" ، "ص" و "خ" ، به ترتیب نشانگر بخش کشاورزی ، صنعت و خدمات می باشند.

شکل ۱: همسنجی فراوانی بازندگی بخش‌های اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان
منبع: (نویسندگان، محاسبات مدل تغییر سهم)



تعداد دهه‌هایی که بخش‌های اقتصادی وضعیت برنده (مختلط یا غیرمختلط) داشته‌اند.

شکل ۲: همسنجی فراوانی بازندگی بخش‌های اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان



تعداد دهه‌هایی که بخش‌های اقتصادی وضعیت بازنده (مختلط یا غیرمختلط) داشته‌اند.

منبع: (نویسندگان، محاسبات مدل تغییر سهم)

آنچه می‌توان از جدول ۳ و شکل ۱ و ۲ دریافت این است که بخش‌های اقتصادی، به ترتیب، از کمترین فراوانی برنده شدن به بیشترین فراوانی در برنده شدن، عبارتند از بخش کشاورزی، صنعت و خدمات. در پنج دهه‌ی سرشماری، بخش‌های اقتصادی به ترتیب بخش خدمات، صنعت و کشاورزی، در ۴، ۳ و ۲ دهه، برنده اقتصادی بوده‌اند. نتیجه آنکه وضعیت بخش خدمات بهتر از بخش صنعت بوده است و بخش صنعت، وضعیت مناسبتری نسبت به کشاورزی داشته است بگونه‌ای که بخش کشاورزی نسبت به دو بخش صنعت و خدمات، وضعیت بدتری داشته است.

تحلیل وضعیت توسعه‌ی منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان:

برای تحلیل وضعیت توسعه‌ی منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان، وضعیت بازار کار و وضعیت نرخ رشد بخش‌های اقتصادی استان مورد تحلیل قرار گرفت. در اینجا به دو متغیر مهم، که یکی به وضعیت بازار کار و دیگری به وضعیت نرخ رشد بخش‌های اقتصادی برمی‌گردد، خواهیم پرداخت. با نگاه تلفیقی به وضعیت دو متغیر کمبود شغل (DS) و متغیر میانگین نرخ رشد محلی بخش‌های اقتصادی (میانگین $(A+B+C)$))، می‌توان تصویر بهتری از توسعه‌ی منطقه‌ای در استان، در دهه‌های سرشماری را نشان داد.

جدول ۴: همسنجی توسعه منطقه‌ای در استان سیستان و بلوچستان طی پنج دهه‌ی سرشماری (۱۳۸۵-۱۱۳۵)

دهه	DS	میانگین نرخ رشد سه بخش اقتصادی	توضیحات
35-45	کمبود	۰,۱	کمترین نرخ رشد محلی اقتصادی در این دهه رخ داده است. از نظر بازار کار، کمبود شغل نیز در استان وجود داشته است.
45-55	مازاد	۰,۵	از نظر نرخ رشد اقتصادی، این دهه، بعد از دهه‌ی چهارم، بهترین بوده است. و همچنین مازاد شغل نیز وجود داشته است.
55-65	مازاد	۰,۴	از نظر نرخ رشد اقتصادی، بعد از دهه‌ی چهارم و دوم، بهترین وضعیت را به خود اختصاص داده است. مازاد شغل وجود دارد
65-75	مازاد	۰,۶	این دهه از نظر بازار کار، دارای مازاد اشتغال بوده است و همچنین از نظر نرخ رشد اقتصادی، بهترین وضعیت را در بین پنج دهه داشته است.
75-85	کمبود	۰,۳	کمبود شغل و نرخ رشد ۰,۳ از ویژگیهای این دهه است. این دهه وضعیت مناسبی را نشان نمی دهد.

منبع: نویسندگان، محاسبات بازار کار و محاسبات مدل تغییرسهم

گذری بر همسنجی تغییرات اشتغال و مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان با استان تهران: در اینجا، در طی سه دهه‌ی اخیر، دو متغیر تقاضای نیروی کار (DE) و مهاجرت (M)، بین استان سیستان و بلوچستان با تهران مورد مقایسه قرار می‌گیرد. پس از آنکه تقاضای نیروی کار و مهاجرت برای استان سیستان و بلوچستان محاسبه شد، همین متغیرها نیز برای تهران بدست آمد که (جدول ۵) گویای آنها می باشد.

جدول ۵: همسنجی تغییرات اشتغال و مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان با استان تهران

دهه	تغییرات تقاضای نیروی کار (DE)		مهاجرت (M)	
	سیستان و بلوچستان	تهران	سیستان و بلوچستان	تهران
۶۵-۵۵	49321	۵۲۶۵۹۴	-222221	-۱۳۷۷۰۷۹
۷۵-۶۵	91533	۸۵۴۳۷۴	-269084	-۲۰۵۲۵۶۶
۸۵-۷۵	117996	۱۴۲۳۴۰۵	240329	-۲۹۸۳۸۸۹

منبع: محاسبات نویسندگان

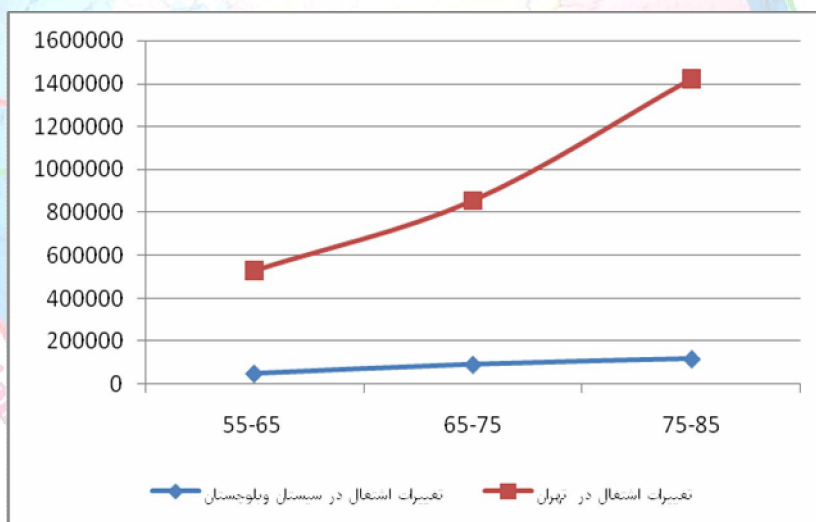
روند تغییرات اشتغال در سه دهه‌ی اخیر، بین استان سیستان و بلوچستان با استان تهران تفاوت‌هایی دارد که نمودار ۷، این روندها را بهتر نشان می‌دهد.

نمودار ۷، گویای آن است که هم در استان سیستان و بلوچستان و هم در استان تهران، مقدار DE که همان تقاضای نیروی کار می‌باشد، در هر سه دهه‌ی اخیر، روند افزایشی و مقدار داشته و مقدار آن همیشه مثبت بوده است. در هر دهه، تغییرات اشتغال، روند افزایش داشته‌اند. دو تفاوت بین تغییرات اشتغال در استان تهران و سیستان دیده می‌شود که عبارتند از:

۱- مقدار تقاضای نیروی کار در استان سیستان و بلوچستان نسبت به استان تهران کمتر است، بطوری که بیشترین تقاضای نیروی کار در استان سیستان و بلوچستان، تقریباً زیر ۱۲۰۰۰۰ می‌باشد در صورتی که بیشترین تقاضای نیروی کار در استان تهران، تقریباً زیر ۱٫۵ میلیون نفر می‌باشد (جدول ۵).

۲- همانگونه که نمودار ۷ نشان می‌دهد، سرعت و خیز افزایش تقاضای نیروی کار، در استان تهران بیشتر از استان سیستان و بلوچستان بوده است. از دهه‌ی ۶۵-۷۵ به دهه‌ی ۷۵-۸۵، این سرعت نیز بیشتر هم شده است.

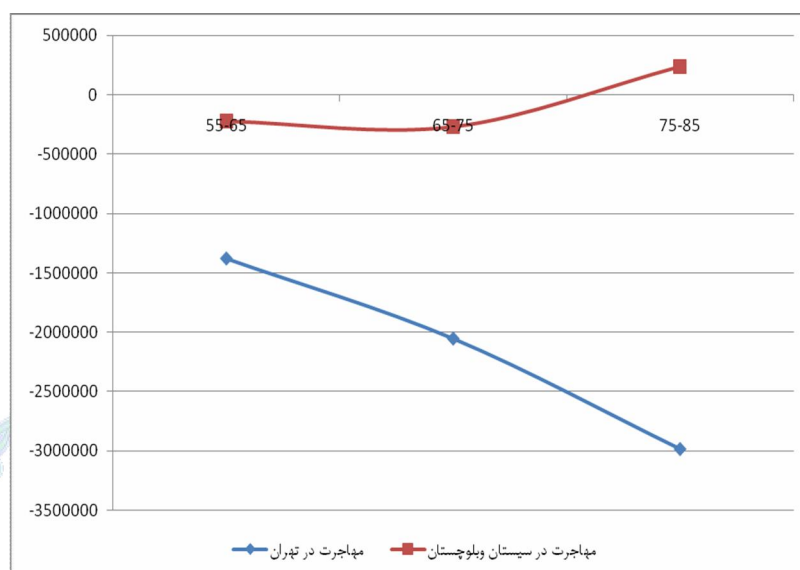
نمودار ۷: روند تغییرات اشتغال در استان سیستان و بلوچستان، و استان تهران



منبع: نویسندگان

یکی از متغیرهایی که در توسعه منطقه‌ای اهمیت دارد، بحث مهاجرپذیری و یا مهاجرفرست بودن مناطق است. اینجا سخن از همسنجی روند تغییرات مهاجرپذیری استان تهران و استان سیستان و بلوچستان است.

نمودار ۸: روند مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان، و استان تهران



منبع: نویسندگان

یافته‌ها گویای آن است که در سه دهه‌ی اخیر (۱۳۵۵-۱۳۸۵)، استان تهران با مهاجرفرستی رو به رو بوده است بطوری که شیب این تغییرات بسیار زیاد می باشد. استان سیستان و بلوچستان بر خلاف استان تهران که در هر سه دهه‌ی اخیر مهاجرپذیر بوده، تنها در دو دهه‌ی (۶۵-۵۵ و ۷۵-۶۵) مهاجرپذیر شده است. در دهه‌ی (۱۳۷۵-۱۳۸۵) استان سیستان و بلوچستان، مهاجرفرست شده است و یک جهشی به سوی تخلیه‌ی جمعیتی برداشته است. در نگاهی به نمودار ۸، آشکار می شود که هر چه زمان می گذرد، روند تغییرات مهاجرفرستی/ مهاجرپذیری استان سیستان و بلوچستان و استان تهران بیشتر از یکدیگر فاصله می گیرند. استان تهران با یک شیب نسبتاً زیاد، به سوی انباش جمعیت، و استان سیستان و بلوچستان با شیب ملایم تری، به سوی گریز جمعیت پیش می روند.

نتیجه‌گیری:

- نتایج بدست آمده از تحلیل‌ها را می توان به صورت نیز بیان کرد:
- مهاجرپذیری استان سیستان و بلوچستان ، تابع مازاد شغل در منطقه بوده است و مهاجرفرست بودن استان پیامد کمبود شغل در منطقه می باشد.
- در استان سیستان و بلوچستان ، تغییرات نیروی کار (DL) بیش از آنکه وابسته به تغییرات نرخ مشارکت (DA) باشد، وابسته به تغییرات طبیعی نیروی کار (DN) بوده است.
- در دهه‌های اخیر (دهه‌های سوم ، چهارم و پنجم)، افزایش نرخ طبیعی نیروی کار که به نرخ رشد جمعیت برمی گردد ، عامل مهمی در ایجاد کمبود شغل در استان سیستان و بلوچستان بوده است.

- وضعیت نرخ رشد محلی بخش خدمات بهتر از وضعیت نرخ رشد بخش صنعت بوده است. بخش صنعت، وضعیت مناسبتری نسبت به بخش کشاورزی داشته است بگونه ای که بخش کشاورزی نسبت به دو بخش صنعت و خدمات، وضعیت بدتری داشته است.
- در پنج دهه‌ی سرشماری، بخشهای اقتصادی به ترتیب بخش خدمات، صنعت و کشاورزی، در ۴، ۳ و ۲ دهه، برنده اقتصادی بوده اند.
- در باب توسعه منطقه ای استان سیستان و بلوچستان باید گفت که اگر بخواهیم وضعیت کمبود شغل در استان را بر مبنای دهه های سرشماری به دو گروه بهترین و بدترین، دسته بندی کنیم، دهه ی اول و پنجم (دهه ۱۳۴۵-۱۳۳۵ و دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵) به دلیل مواجه بودن با کمبود شغل، در گروه بدترین قرار می گیرند. دهه های دوم، سوم و چهارم (دهه های ۱۳۵۵-۱۳۴۵، ۱۳۶۵-۱۳۵۵، ۱۳۷۵-۱۳۶۵) به دلیل مزاد شغلی که داشته اند، در دسته بهترین دهه‌ها قرار می گیرند.
- اگر بخواهیم دهه‌ها را از نظر وضعیت نرخ رشد بخشهای اقتصادی از بالاترین نرخ رشد اقتصادی به پایینترین آن ردیف کنیم به این ترتیب خواهد بود: دهه ی چهارم (۷۵-۶۵)، دوم (۵۵-۴۵)، سوم (۶۵-۵۵)، پنجم (۸۵-۷۵) و دهه ی اول (۱۳۴۵-۱۳۳۵).
- در هر سه دهه‌ی اخیر، هم در استان سیستان و بلوچستان و هم در استان تهران، مقدار DE که همان تقاضای نیروی کار می باشد، روند افزایشی داشته و مقدار آن همیشه مثبت بوده است.
- سرعت افزایش تقاضای نیروی کار (DE)، در استان تهران بیشتر از استان سیستان و بلوچستان بوده است. از دهه ی ۷۵-۶۵ به دهه ی ۸۵-۷۵، این سرعت نیز بیشتر هم شده است.
- در سه دهه ی اخیر، روند تغییرات مهاجرت استان سیستان و بلوچستان نشان داد که این استان به سوی تخلیه ی جمعیتی پیش می رود در صورتی که روند تغییرات مهاجرت در استان تهران نشان می دهد که این استان با شیب زیادی به سوی انباشت جمعیتی حرکت کرده است.

منابع:

۱. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
۲. صرافی، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، انتشارات سازمان برنامه ریزی منطقه ای، تهران.
۳. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۳). مکتب ها، نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
۴. اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۸۵). مدلی برای توسعه شهرهای ایران بر اساس محاسبات بازار کار، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، ۸۰۹-۷۹۴، مشهد.
۵. اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۸۱). نقش اشتغال در توسعه شهرهای جدید انگلستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۷، ۱۳۷-۱۲۲.
6. Fan, cindy, 2002, the elite, the natives, and the outsider: migration and labor market segmentation in urban china, annals of the association of American geographers, 92 (1), PP.103-124

7. Tyler , P, and Rhodes,J (), A Model with which to forecast employment and population change of the regional and sub-regional level, in congdon P.and Batey P.(Eds), Advances in regional demography , Belharea Press, London , PP 124-149
8. 15. Mayor, Matias,López, Ana Jesús and Pérez, Rigoberto (2007), Forecasting Regional Employment With Shift-share and ARIMA Modelling , Regional Studies, 41:4,543-551.
9. 16. Yasin, Mahmoud, Alavi, Jafar , Sobral,Fillipe and Lisboa,Jóao (2005), Ashift –share analysis Approach to understand the Dynamice of the Portuguese Tourism Market ,Journal of travel & tourism marketing ,17:4,11-22.

